یادداشت

مشکلات فراوان و دولتی تنها

نگاهی مثبت به عملکرد دولت پزشکیان

مرتضی شربیانی

سال گذشته و در بحبوحه رقابت پزشکیان و جلیلی برای دستیابی به مقام ریاست‌جمهوری و در پی تبلیغات گسترده مبنی بر بی‌فایده‌بودن حضور در انتخابات، در مقاله‌ای در همین نشریه (انتخابات، اصلاحات و ماهیت دموکراسی، روزنامه «شرق»، ۶ تیر ۱۴۰۳) خطاب به مردم مردد و نیروهای سیاسی مخالف شرکت در انتخابات توضیح دادم که سیستم لیبرال‌دموکراسی غربی، ساختاری است که برای ایجاد ثبات و اجتناب از تغییرات انقلابی و ناگهانی ایجاد شده، اما سابقه پراکنده و منقطع مردم ایران در مواجهه با این سیستم موجب عدم آشنایی جمعی با مختصات آن شده، تا جایی که در کنار مردم عادی، حتی فعالان سیاسی هم انتظاراتی رؤیایی و غیرواقعی از فرایندهای دموکراتیک داشته و دارند. حال و با گذشت ۲۱ ماه از آن روزها به نظر می‌رسد بحثی در این زمینه البته نه با مردم، که با فعالان سیاسی اصلاح‌طلب ضروری به نظر برسد، به‌ویژه آنکه در روزهای اخیر و پس از تأیید خبر استعفای معاون سیاسی و یکی از اعضای شورای رسانه‌ای دفتر رئیس‌جمهور، خبرهای غیررسمی‌تر حاکی از استعفای محمدرضا عارف به دلیل نبود حمایت کافی اصلاح‌طلبان از دولت و نپذیرفتن آن از سوی مسعود پزشکیان است. درواقع نگاهی گذرا به فضای سیاسی و رسانه‌ای کشور در ماه‌های گذشته روشن می‌سازد که انتقادات از عملکرد دولت به نحو درخورتوجهی افزایش یافته و این در حالی است که جریانات و رسانه‌های اصلاح‌طلب نیز در این رویکرد با اصولگرایان همراه شده‌اند. دراین‌میان اگرچه انتقادات اصولگرایان با توجه به مبانی فکری و رقابت‌های سیاسی قابل درک است، اما انتقادات اصلاح‌طلبان مبنی بر عدم تحقق لازم و کافی مطالبات اصلاح‌طلبانه، با توجه به عملکرد دولت و زمان سپری‌شده از دوره ریاست‌جمهوری پزشکیان منطقی و عاقلانه به نظر نمی‌رسد و لازم است در این زمینه به نکاتی توجه و تأمل بیشتر شود.

۱- همه می‌دانیم که مهم‌ترین شعار پزشکیان و مهم‌ترین وجه تمایز او با رقیب اصلی‌اش اعتقاد او به ضرورت افزایش تعامل با غرب برای رفع تنگناهای اقتصادی بود. البته روشن است که سعید جلیلی به‌عنوان مهم‌ترین رقیب پزشکیان و جناح سیاسی حامی او، دیدگاه‌هایی بسته در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی داشتند، اما جلیلی در فرایند مبارزات انتخاباتی، دیدگاه‌های خود در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی را پنهان می‌کرد و فقط بر دیدگاه‌های ضد غربی خود تأکید داشت. در این چارچوب شعار گشایش در سیاست خارجی، به مهم‌ترین وجه ممیزه پزشکیان در انتخاباتی تبدیل شد که به پیروزی او منتهی شد و بدیهی است که پزشکیان از ابتدای ریاست‌جمهوری خود تلاش کرد که این شعار را تحقق ببخشد. اولین تلاش در این چارچوب حضور و مذاکرات پزشکیان و تیم سیاست خارجی او درنشست مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۲۴ بود. اما این تلاش مشخصا نمی‌توانست نتیجه‌ای در بر داشته باشد، چراکه در آستانه انتخابات آمریکا، رهبران غربی در انتظار روشن‌شدن نتایج انتخابات بودند. با پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری و با وجود زمزمه‌های مخالف نیروهای افراطی، مذاکرات ایران و آمریکا در فروردین سال جاری (کمتر از سه ماه پس از آغاز به کار ترامپ) آغاز شد که در نهایت به حمله اسرائیل و آمریکا در خردادماه و در میانه مذاکرات انجامید. بعد از جنگ نیز تلاش‌های پزشکیان و تیم سیاست خارجی او برای تعامل با کشورهای اروپایی در مجمع عمومی سال ۲۰۲۵ به شکست انجامید. درواقع پزشکیان و تیم سیاست خارجی او هرچه را در توان داشتند، برای تعامل با غرب انجام دادند اما درنهایت به نتیجه‌ای نرسیدند. در این شرایط و وقتی رئیس‌جمهور از امکان‌ناپذیر بودن تعامل با غرب در شرایط فعلی سخن می‌گوید، کنش سیاسی منطقی و قابل انتظار از اصلاح‌طلبان به‌عنوان یک نیروی سیاسی باتجربه، پذیرش نظر نامزد پیروز خود در انتخابات و حمایت از دولت منتسب به خود در برابر مخالفان است، نه انتقاد از او و حمله به تیم دیپلماتیک دولت.

۲- نگاهی به روند تحولات سیاسی کشور به‌ویژه پس از دوم خرداد نشان می‌دهد که با وجود عظمت و شکوه فرایندی که به پیروزی محمد خاتمی انجامید، شدت‌گرفتن رقابت نیروهای سیاسی پس از دوم خرداد موجب شده بخش درخورتوجهی از انرژی و توان جریانات سیاسی، صرف مقابله با نیروهای مخالف شود و این روند تا جایی پیش رفته که حتی کار به مقابله و سنگ‌اندازی در برابر موفقیت‌ها و سیاست‌های راه‌گشای جریان مقابل هم کشیده شده است. پزشکیان با درک درست از مضرات چنین تقابل‌هایی تلاش کرده که سیاست‌های خود را با همراهی حداکثری نیروهای سیاسی حاکم پیش ببرد و در این چارچوب نمی‌توان از او انتظار داشت که برخی از وعده‌های خود مانند رفع فیلترینگ را بدون اقناع حداکثری در بلوک قدرت پیش ببرد، هرچند در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز اقدامات ارزشمندی مانند اجتناب از ابلاغ لایحه حجاب و ایجاد فضای نسبتا بانشاط در عرصه‌های فرهنگی و هنری انجام شده.

۳- همه می‌دانیم که دولت پزشکیان برای گذر از مشکلاتی که کشور به آن مبتلاست، ناچار است تصمیم‌های سختی را به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی اتخاذ کند که تبعات آنها می‌تواند پیش‌بینی‌ناپذیر باشد. در این راستا از یک طرف دولت نیاز به حمایت دارد تا اعتمادبه‌نفس لازم برای اتخاذ تصمیم‌های سخت را به دست آورد و از طرف دیگر مردم هم نیاز دارند که برای مواجه‌شدن با مشکلات ناشی از اصلاحات اجتناب‌ناپذیر اقتصادی، اطلاعات مورد نیاز را برای مواجهه با مشکلات و ترسیم چشم‌انداز آتی کسب کنند، حال واقعا واقعیت جز این است که فشار به دولت و انتقاد از آن، تنها اعتمادبه‌نفس لازم را از دولت برای اصلاحات سلب می‌کند و آن را به طرف ناکارآمدی بیشتر سوق می‌دهد.

البته در شرایط سیاسی امروز ایران که یک جناح سیاسی در پی ابلاغ قانون حجاب و خروج از ان‌پی‌تی است و جناح مقابل در پی حل مشکل با غرب و رفع فیلتر اینترنت، مطلوب‌تر آن است که هر دو جناح سیاسی با درک محدودیت‌های دولت و فشارهای وارد بر آن رویکردی ملی را در پیش گرفته و مواضع خود را تا حد امکان تعدیل کنند، اما واقعیت آن است که وقتی مخالفان دولت پزشکیان افزایش دو هزار تومانی قیمت بنزین را به مسئله‌ای جدی تبدیل کرده و درباره آن افشاگری می‌کنند، انتظار زیادی از آنان نمی‌توان داشت. در این شرایط هوشیاری فعالان سیاسی اصلاح‌طلب اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، چراکه درنهایت دولت چهاردهم دولت مورد حمایت اصلاح‌طلبان به شمار می‌رود و شکست یا پیروزی آن درنهایت به حساب اصلاح‌طلبان گذاشته خواهد شد.

نقش حیاتی مدیریت واحد در نهادهای وکالت

حفاظت از حقوق مردم در برابر توطئه‌های دشمنان

منصور مظفری
وکیل پایه یک دادگستری

در شرایط حساس کنونی که مردم شریف ایران با چالش‌های اقتصادی ناشی از تحریم‌های ظالمانه دشمنان خارجی و گاه سوءمدیریت‌های داخلی دست و پنجه نرم می‌کنند، هیچ‌کس نمی‌تواند این واقعیت تلخ را انکار کند. این مشکلات که ریشه در فشارهای بین‌المللی و برخی ناکارآمدی‌های داخلی دارد، زندگی روزمره میلیون‌ها ایرانی را تحت تأثیر قرار داده و منجر به بروز نارضایتی‌هایی شده است. با این حال، همان‌طورکه بر همگان روشن است، دشمنان قسم‌خورده ملت ایران، از جمله رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا، همواره در کمین هستند تا اعتراضات بحق و مردمی را با بسیج عوامل داخلی و خارجی منحرف و آن را به اغتشاش و آشوب تبدیل کنند. این استراتژی شوم که بارها در تاریخ معاصر ایران تکرار شده، هدف نهایی‌اش تضعیف وحدت ملی و ضربه‌زدن به پایه‌های نظام است. در چنین مقاطع حساسی، نقش فرهیختگان جامعه، از جمله دانشگاهیان، وکلا و کارشناسان بصیر و مورد اعتماد مردم، بیش از پیش برجسته می‌شود. این نخبگان می‌توانند با آگاهی‌بخشی، تحلیل دقیق و اقدامات هوشمندانه، نقشه‌های بدخواهان را خنثی کنند و مسیر اعتراضات را به سمت اصلاحات سازنده هدایت کنند. اما متأسفانه، گاهی اوقات یک حرکت بچگانه یا نسنجیده از سوی افراد معدودی در ارکان برخی نهادها - که حتی مورد توجه عمومی هم قرار نمی‌گیرند - می‌تواند کل یک نهاد مدنی را در پیچ‌های تاریخی کشور منحرف کند. در این میان، اهمیت داشتن مدیریت واحد و هماهنگ در نهادهای کلیدی، مانند نهادهای وکالت، بیش از هر زمان دیگری آشکار می‌شود. مدیریت واحد نه‌تنها می‌تواند نهاد را از دسیسه‌های داخلی و خارجی حفظ کند، بلکه تضمین‌کننده همسویی کامل با منافع مردم و نظام خواهد بود. بدون چنین مدیریتی، خطر جزیره‌ای عمل‌کردن و بروز اختلافات داخلی افزایش می‌یابد که در نهایت به ضرر کل جامعه تمام می‌شود. در همین راستا، در تاریخ هشتم آذرماه سال جاری، یادداشتی به قلم این‌جانب در روزنامه شرق به چاپ رسید که در آن، خواستار ورود قوه قضائیه به برخی رفتارهای نامناسب در برخی از کانون‌های وکلای دادگستری شده بودم. این یادداشت به‌ویژه بر حواشی به‌وجودآمده در المپیاد ورزشی این نهاد در جزیره کیش تمرکز داشت که نمونه‌ای از رفتارهایی بود که می‌توانست تصویر کلی نهاد وکالت را خدشه‌دار کند. خوشبختانه، این یادداشت مورد اقبال گسترده‌ای قرار گرفت و بسیاری از کارشناسان و شهروندان آن را تأیید کردند. البته، تعدادی نقد منصفانه نیز مطرح شد که نشان‌دهنده پویایی جامعه حقوقی است. با این حال، به مذاق عده‌ای محدود خوش نیامد، گروهی که البته آنها نیز قابل احترام هستند و توصیه می‌شود با مطالعه دقیق‌تر مطالب و سواد حقوقی، حداقل نام قانونی دیگر نهادهای وکالت، مانند مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه- که مولد انقلاب اسلامی است- را به درستی تلفظ و درک کنند. به این گروه باید گفت که در دنیای امروز، می‌توان در چند سال ره صدساله را پیمود، اما آنچه اهمیت دارد، رفتار همسو با مردم در تمامی ارکان نهادهاست. این همسویی تعهد دائمی به عدالت و حقوق شهروندان است. کانون‌های وکلای دادگستری، به عنوان نهادی ریشه‌دار و باسابقه، بزرگان و فرهیختگان بسیاری را پرورش داده و در تاریخ حقوقی ایران نقش برجسته‌ای ایفا کرده است. با وجود این، در بزنگاه‌های تاریخی اخیر- جایی که رژیم صهیونیستی و رئیس‌جمهور آمریکا علنا به حمایت از آشوبگران اعتراف کرده‌اند- نیاز به مدیریت واحد بیش از پیش احساس می‌شود. در این مقطع حساس، خانواده بزرگ ۱۵۰ هزار نفری مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه، با مدیریت هماهنگ و انقلابی، توانسته است جلوه‌های مردمی نهاد وکالت را برجسته‌تر کند. جان کلام این است که عده‌ای دوست ندارند نهادهای وکالت با وحدت عمل کنند، زیرا با خیال خام خویش با جزیره‌ای عمل‌کردن در مقاطع حساس می‌توانند به هدف خود برسند و می‌توانند به کل نهاد وکالت، از جمله کانون‌های وکلای دادگستری لطمه وارد آورند و در نهایت، خسارت آن را به مردم برسانند. برای مثال، اطلاعیه اخیر برخی افراد از ارکان کانون وکلای دو استان، بدون مرزبندی روشن بین معترضان بحق و آشوبگران، نمونه‌ای از این رویکرد است. به هیئت‌مدیره محترم این کانون‌ها باید یادآور شد که نهادهای وکالت در کشورمان، علاوه بر تربیت وکلای شایسته، باید همواره مدافعان حق و عدالت باشند. در کنار مردم بودن، مختص یک روز، یک ماه یا یک سال خاص نیست؛ بلکه در بزنگاه‌های تاریخی، وظیفه نهاد وکالت دوچندان می‌شود تا دشمن نتواند حرکت‌های با حسن نیت مردم برای حل مشکلات را به انحراف بکشاند و به اغتشاش تبدیل کند. مردم بصیر ایران اسلامی، با هوشیاری مثال‌زدنی، به محض مشاهده سوءاستفاده‌کنندگان از اعتراضات، با انتخاب نمایندگان خود مطالبات را به دولت منتقل کرده و در مقابل دشمن ایستاده‌اند. این بصیرت، ریشه در فرهنگ غنی اسلامی و تجربیات تاریخی دارد. در سال‌های گذشته، زمانی که اغتشاشگران به جان و مال مردم تجاوز کردند، مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه، به‌صورت معاضدتی در کنار مردم قرار گرفتند و حمایت‌های حقوقی و کارشناسی لازم را برای جبران خسارت‌ها ارائه دادند. این اقدام نه‌تنها به بازسازی اعتماد کمک کرد، بلکه الگویی برای سایر نهادها شد. علاوه بر این، پس از تجاوزات رژیم صهیونیستی و آمریکای جنایتکار به حقوق ملت ایران، این مرکز تمام‌قد در کنار مردم ایستاد و بیش از ۱۲ هزار کارشناسی معاضدتی انجام داد. این کارشناسی‌ها شامل مستندسازی خسارت‌های مادی، معنوی و روانی ناشی از این تجاوزات بود. با همکاری و به‌کارگیری وکلای داخلی و خارجی متخصص در حوزه حقوق بین‌الملل و همچنین هماهنگی با وکلای برخی کشورها مانند روسیه، هند، ارمنستان، فرانسه، برزیل و... با اخذ وکالت از خانواده‌های معظم شهدا و آسیب‌دیدگان، در مجامع حقوقی صالح بین‌المللی طرح دعوی کرد. این اقدامات که با هماهنگی کامل قوه قضائیه صورت گرفت، نشان‌دهنده عمق تعهد این نهاد به دفاع از حقوق ملی است. مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه، همچنین با شرکت در مجامع حقوقی بین‌المللی- به ویژه در کشورهای عضو بریکس- توانسته است به عنوان نماینده جامعه حقوقی ایران، زبان گویای ملت‌های مظلوم جهان باشد. این حضور فعال، نه‌تنها به تقویت موقعیت ایران در عرصه جهانی کمک کرده، بلکه به ایجاد شبکه‌های حمایتی بین‌المللی منجر شده است. این نهاد انقلابی، علاوه بر اقدامات بین‌المللی، بر توسعه خدمات حقوقی رایگان در داخل کشور تمرکز کرده است. با راه‌اندازی سامانه ۱۲۹ در سراسر کشور، شهروندان می‌توانند به راحتی به مشاوره‌های حقوقی دسترسی داشته باشند. همچنین، در روزهای یکشنبه، در مساجد منتخب سراسر کشور، وکلا و کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده این مرکز با همراهی مدیران اجرائی در کنار مردم قرار می‌گیرند تا مشکلات حقوقی هم‌وطنان را حل‌وفصل کنند. این ابتکار که الگویی برای سایر کشورها شده، نشان‌دهنده تعهد عمیق به خدمت‌رسانی مردمی است. علاوه بر این، این مرکز با برگزاری مراسم تحلیف وکلا و کارشناسان رسمی در اماکن مذهبی مقدس مانند حرم مطهر حضرت علی‌ابن‌الموسی‌الرضا (ع) در مشهد، حرم مطهر شاهچراغ در شیراز و حرم بی‌بی فاطمه معصومه (ع) در قم، فضایی معنوی در کنار حرفه مقدس وکالت و کارشناس رسمی ایجاد کرده است. این اقدام که ریشه در ارزش‌های اسلامی دارد، به تقویت اخلاق حرفه‌ای کمک می‌کند. همچنین، با سیستمی‌کردن دادسرای انتظامی در سراسر کشور و اعمال نظارت درونی، خدمتی بزرگ در تکریم مردم ارائه داده است. متأسفانه، جای چنین حرکت‌های زیبایی در دیگر نهاد وکالت بسیار خالی است و می‌تواند الگویی برای آنها باشد. این نهاد انقلابی، حتی پس از سال‌ها از اتمام جنگ تحمیلی هشت‌ساله، در پی اجرای فرامین مقام معظم رهبری، در راستای احقاق حقوق خانواده معظم شهدا گام‌های اساسی برداشته است. برای مثال، در محکومیت رژیم بعث عراق در تجاوز به زمین‌های فوتبال در استان ایلام، اقدامات حقوقی مؤثری انجام شد. اگر بخواهیم تمام اقدامات این نهاد در حوزه وکالت، کارشناسی رسمی و مشاوره خانواده را به قلم بیاوریم، نیاز به انتشار چندین ویژه‌نامه خواهد بود. اما آنچه مهم‌تر است، این است که مردم در سراسر کشور از خدمات حقوقی این نهاد بهره‌مند می‌شوند و نیازی به تولید محتوای تبلیغاتی نیست؛ زیرا عملکرد واقعی، بهترین تبلیغ است. در نهایت، افتخار خدمت به مردم و ایستادن در کنار آنها در پیچ‌های تاریخی، تنها زمانی به دست می‌آید که در رأس تمام نهادهای وکالت در استان‌ها، مدیریت واحد انقلابی و با بصیرت وجود داشته باشد. این مدیریت واحد، نه‌تنها از نهاد وکالت در برابر توطئه‌ها حفاظت می‌کند، بلکه تضمین‌کننده عدالت پایدار و حمایت واقعی از حقوق شهروندان خواهد بود. امیدوارم نهادهای وکالت، با الهام از این الگو، به سمت وحدت و همسویی بیشتر حرکت کنند تا در نهایت، منافع ملت ایران تأمین شود.

چالش بزرگ صنعت گردشگری ایران؛ رشد یا توسعه پایدار

محمدحسین تاجیک

سال ۱۴۰۳، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی ایران اعلام کرد که بیش از ۷.۳ میلیون گردشگر خارجی به کشور سفر کرده‌اند؛ عددی که نشان‌دهنده جهش محسوس در جذب گردشگر است. پیش‌تر، در سال ۲۰۲۳ میلادی (۱۴۰۲ خورشیدی)، تعداد گردشگران خارجی حدود شش میلیون نفر برآورد شده بود؛ یعنی رشدی چشمگیر در مقایسه با سال‌های گذشته. از طرف دیگر، براساس گزارش World Travel & Tourism Council (WTTC)، سهم صنعت گردشگری از اقتصاد ایران در ۲۰۲۳ به حدود ۴.۷ درصد رسیده؛ یعنی گردشگری دارد تبدیل به بازیگری جدی در اقتصاد می‌شود. امروز رشد گردشگری به یکی از شاخص‌های مهم عملکرد دولت‌ها تبدیل شده است. افزایش تعداد گردشگران، بالا رفتن ظرفیت اقامتی، گسترش پروازها و رونق بازار سفر، همه نشانه‌هایی از رشد هستند. اما پرسش اساسی اینجاست: آیا رشد به‌تنهایی برای آینده گردشگری ایران کافی است؟

پاسخ روشن است: خیر. رشد بدون توجه به توسعه پایدار، همانند خانه‌ای است که روی آب بنا شده باشد؛ هر موج بحران، هر تغییر اقتصادی و هر بی‌نظمی اجتماعی می‌تواند آن را فروبریزد. تجربه بسیاری از کشورها ثابت کرده که افزایش آمار ورود مسافران اگر با برنامه‌ریزی پایدار همراه نباشد، به تخریب محیط زیست، فرسایش میراث فرهنگی، نارضایتی جامعه محلی و حتی فروپاشی اقتصادی مناطق گردشگری منتهی می‌شود.

رشد چه می‌گوید؟

منطق رشد ساده است: «گردشگر بیشتر، درآمد بیشتر». این نگاه به‌ظاهر جذاب است، اما در عمل گاهی باعث شتاب‌زدگی، ساخت‌وسازهای بی‌رویه، فشار بر منابع و شکل‌گیری مقصدهای شلوغ و کم‌کیفیت می‌شود. رشد، اگر اصولی نباشد، به جای رونق، بحران به همراه می‌آورد. رشد به‌تنهایی کافی نیست. رشد، عددی است که در پایان سال اعلام می‌شود. اما پایداربودن، روایتی است که سال‌ها ادامه می‌یابد. رشد اگر تنها هدف باشد، ممکن است مقصدی زیبا را به انبوهی از ساخت‌وساز، ازدحام، تخریب طبیعت و فرسایش میراث فرهنگی تبدیل کند. نمونه‌های جهانی کم نیستند؛ شهرهایی که برای چند سال درخشیدند و سپس زیر بار فشار گردشگر نابود شدند.

دُبروونیک (کرواسی)

این شهر ساحلی با دیوارهای تاریخی و بافت قدیمی، یکی از مقاصد محبوب دریای آدریاتیک برای گردشگران و به‌ویژه مسافران کشتی‌های کروز است. در سال ۲۰۲۳ بیش از چهار میلیون گردشگر، بسیاری با کشتی به شهر سرازیر شدند؛ موجی که فشار زیاد بر زیرساخت، شلوغی مداوم، آلودگی و تهدید برای بناهای تاریخی ایجاد کرد.

پس از اعتراضات محلی، مسئولان شروع به محدودکردن ورود کشتی‌ها و تنظیم تعداد بازدیدکنندگان کردند؛ یعنی سیاست «محدودیت» به‌عنوان ابزاری برای حفاظت از میراث و کیفیت زندگی مردم انتخاب شد. دُبروونیک نمونه‌ای است که نشان می‌دهد بدون چارچوب و مدیریت، گردشگری حتی می‌تواند تهدیدی برای تاریخ و فرهنگ باشد، نه فرصت.

توسعه پایدار چه می‌گوید؟

در توسعه پایدار، سؤال اصلی این نیست که «چقدر گردشگر جذب کردیم؟»، بلکه این است که: «این گردشگری چه اثری بر محیط، فرهنگ و اقتصاد محلی گذاشته است؟». توسعه پایدار به حفظ طبیعت، احترام به جوامع میزبان، کیفیت تجربه گردشگران و درآمد منصفانه برای کسب‌وکارها اهمیت می‌دهد. این مدل به ما کمک می‌کند مقصد گردشگری ما سال‌ها و دهه‌ها سر پا بماند، نه‌فقط یک فصل یا یک سال.

توسعه پایدار؛ آرامش بلندمدت مقصد

توسعه پایدار یعنی هر گردشگر که وارد شهر یا روستایی می‌شود، ارزش به جا بگذارد؛ نه فشار. یعنی مردم محلی سهم واقعی داشته باشند، طبیعت نفس بکشد، میراث فرهنگی احترام ببیند، و کیفیت تجربه سفر افزایش یابد. حفاظت از محیط زیست، تقویت جوامع محلی، و ارتقای استاندارد خدمات. اینها ستون‌های یک توسعه پایدار هستند؛ ستون‌هایی که اگر متزلزل شوند، هیچ رشد عددی نمی‌تواند مقصد را نجات دهد.

حقیقت گردشگری در یک نگاه

گردشگری اگر خوب مدیریت شود، «پیوند آرامش مسافر» با «آواز سرزمین» است. اما اگر بی‌برنامه باشد، «گامی شتاب‌زده است که بر گلوی طبیعت می‌نشیند». سرزمین ما میراث هزارساله‌ای دارد که با دست‌های زمان ساخته شده، نه با پیمانکاران شتاب‌زده. این میراث را نمی‌توان دوباره ساخت؛ فقط می‌توان هوشمندانه حفظ کرد و با گردشگری پایدار جان تازه‌ای به آن بخشید.

راه‌حل: رشد در چارچوب توسعه پایدار

در حقیقت، رشد و توسعه پایدار در تضاد با هم نیستند. آنچه ایران به آن نیاز دارد، رشد پایدار است: رشد با برنامه‌ریزی، با احترام به ظرفیت محیطی، با مدیریت درست مقصدها، با توزیع عادلانه منافع بین مردم محلی و با حفاظت از میراث فرهنگی. رشد به‌تنهایی معنا دارد و نه توسعه بدون رشد. مدل مطلوب، رشد پایدار است؛ یعنی ترکیبی از افزایش گردشگران با:

- مدیریت علمی مقصدها
- ظرفیت‌سنجی محیطی و اجتماعی
- جلوگیری از ساخت‌وسازهای بی‌رویه
- آموزش نیروی انسانی
- مشارکت واقعی جامعه محلی
- حفاظت از طبیعت و میراث فرهنگی

چنین مدلی است که می‌تواند گردشگری را به پیشران بلندمدت اقتصاد ایران تبدیل کند.

چرا توسعه پایدار برای ایران مهم‌تر است؟

ایران سرزمینی است که سرمایه اصلی‌اش نه صنعت سنگین است و نه فناوری‌های پیچیده؛ سرمایه ایران طبیعت، فرهنگ، تاریخ و مردم است. این دارایی‌ها قابل جایگزینی نیستند. اگر آنها را مدیریت نکنیم، رشد گردشگری می‌تواند به تهدید تبدیل شود. برای کشوری با این سطح از تنوع طبیعی و فرهنگی، توسعه پایدار نه یک انتخاب، بلکه یک استراتژی بقا است.

سخن پایانی

اگر گردشگری را موتور توسعه ایران می‌دانیم، باید سوخت این موتور را درست انتخاب کنیم. رشد لازم است؛ اما رشد تنها، مقصد را نابود می‌کند. توسعه پایدار ضروری است؛ اما بدون رشد، اقتصاد را متوقف می‌کند. رشد گردشگری باید با حفظ فرهنگ، هویت و منافع جامعه میزبان همراه باشد. راه صحیح این است: رشد گردشگری در چارچوب توسعه پایدار.

یادداشت

اقتصاد بی‌ثبات و حقوق اجتماعی شهروندان

سیدمهرداد بنی‌هاشمی کهنگی

یکی از بنیادی‌ترین ستون‌های حاکمیت قانون، تضمین حقوق اجتماعی شهروندان است؛ حقوقی مانند دسترسی به آموزش، درمان، تأمین اجتماعی، حق کار، معیشت شایسته و امنیت اقتصادی. این حقوق، نه امتیاز حکومتی، بلکه تعهدی قانونی و اخلاقی نسبت به جامعه به شمار می‌آیند. با این حال، در سال‌های اخیر، بی‌ثباتی اقتصادی در ایران باعث شده است که فاصله میان آنچه در قوانین و سیاست‌ها به عنوان «حقوق اجتماعی» تعریف شده و آنچه مردم در زندگی روزمره تجربه می‌کنند، روزبه‌روز بیشتر شود.

وقتی نااطمینانی اقتصادی تبدیل به زیست روزمره می‌شود

تورم مزمن، کاهش قدرت خرید، نااطمینانی بازار کار، فرسایش طبقه متوسط و گسترش نابرابری‌ها، شرایطی را رقم زده که در آن بخش مهمی از جامعه دیگر فرصت یا توان مطالبه‌گری حقوق خود را ندارد. وقتی دغدغه اصلی مردم، تأمین هزینه‌های ابتدایی زندگی باشد، طبیعی است که مسائلی مانند شفافیت اداری، عدالت توزیعی، کیفیت خدمات عمومی و حتی مشارکت مدنی به حاشیه رانده شود. به بیان ساده‌تر، معیشت بر قانون غلبه می‌کند؛ یعنی ضرورت بقا بر پیگیری حقوق قانونی و شهروندی پیشی می‌گیرد.

حقوق اجتماعی، قربانی اول بی‌ثباتی

حقوق اجتماعی زمانی معنا دارد که شهروند بتواند به آینده خود اطمینان نسبی داشته باشد. اما اقتصاد بی‌ثبات، این اطمینان را از بین می‌برد. نتیجه آن است که:

- کارگر و کارمند امنیت شغلی ندارد
- بازنشسته نگران فردای خود است
- فارغ‌التحصیل جوان چشم‌انداز روشنی از آینده کاری خود نمی‌بیند
- خانواده طبقه متوسط پیشین به مرزهای آسیب‌پذیری نزدیک می‌شود.

در چنین شرایطی، حتی اگر قوانین حمایتی روی کاغذ وجود داشته باشند، کارآمدی عملی خود را از دست می‌دهند؛ زیرا اجرا در بستری از نااطمینانی شکل می‌گیرد.

قانون بدون ضمانت اقتصادی، به هنجار اخلاقی تبدیل می‌شود

قانون باید پشتوانه نهادی و مالی داشته باشد. وقتی نظام تأمین اجتماعی با چالش منابع مواجه است، وقتی دستمزدها متناسب با تورم تنظیم نمی‌شود، وقتی خدمات عمومی کیفیت پایدار ندارند، حقوق اجتماعی به جای آنکه «تعهد الزام‌آور» باشند، کم‌کم به «توصیه اخلاقی» تبدیل می‌شوند. این همان نقطه‌ای است که شکاف میان حاکمیت قانون و تجربه زیسته مردم عمیق‌تر می‌شود.

پیامدهای اجتماعی نادیده‌گرفتن معیشت

بی‌ثباتی اقتصادی نه‌تنها زندگی روزمره را دشوار می‌کند، بلکه پیامدهایی فراتر از اقتصاد دارد:

- کاهش اعتماد عمومی
- افزایش مهاجرت نخبگان
- فرسایش سرمایه اجتماعی
- تضعیف مشارکت عمومی
- گسترش حس بی‌اثربودن تلاش فردی

وقتی مردم تصور کنند قواعد بازی عادلانه نیست، انگیزه آنان برای پایبندی داوطلبانه به قانون نیز کاهش می‌یابد. این یعنی خود قانون هم از درون تضعیف می‌شود. نقش حاکمیت در تضمین حقوق اجتماعی صرفا یک هدف رفاهی نیست، بلکه وظیفه حاکمیتی است. ایجاد ثبات نسبی اقتصادی، اصلاح نظام دستمزدی، تقویت نظام تأمین اجتماعی، حمایت واقعی از اقشار آسیب‌پذیر و شفافیت در تخصیص منابع عمومی، پیش‌شرط‌های عملی تحقق این حقوق هستند. وقتی سیاست‌گذاری اقتصادی فاقد ثبات و پیش‌بینی‌پذیری باشد، حتی بهترین قوانین نیز به نتیجه مطلوب نخواهند رسید.

جمع‌بندی

اقتصاد بی‌ثبات نه‌تنها جیب شهروندان، بلکه جایگاه حقوق اجتماعی آنان را نیز تهدید می‌کند. جامعه‌ای که درگیر فشار مستمر معیشتی است، نمی‌تواند به شکل سالم در عرصه عمومی مشارکت کند یا نسبت به سرنوشت جمعی خود احساس تعلق پایدار داشته باشد. بازگرداندن ثبات به اقتصاد، فقط اقدامی اقتصادی نیست؛ گامی اساسی در جهت احیای حاکمیت قانون و کرامت شهروندی است. تا زمانی که معیشت بر قانون سایه افکنده باشد، حقوق اجتماعی همچنان در مرز میان «نوشته‌شدن» و «زندگی‌شدن» سرگردان خواهد ماند.